

خلیج فارس در پهنه تاریخ



دکتر هرمیداس باوند

دریای فارس در تصویرالمراقه از کتاب
المسالک و الممالک استخری (قبل از
-۳۴۶۳۱۸ هـ. ق.)

مذهب ساکنان جزایر خلیج فارس چیست؟ وضعیت شیعیان در این جزایر چگونه است؟ اینها سؤالاتی هستند که کم‌تر کسی پاسخ آن‌ها را می‌داند. چنان‌که امروزه می‌بینیم اغلب ساکنان جزایر خلیج فارس از اهل سنن هستند و تنها هزار و پانصد نفر از ساکنان جزیرهٔ هرمز شیعه‌مذهب هستند که اصلاً مورد توجه نیستند و زندگی آن‌ها از طریق کمک‌های کمیتهٔ امداد امام خمینی (ره) می‌گذرد. در واقع پرسش خودمان را ساده‌تر می‌کنیم آیا برای ساکنان یک جزیره در خلیج فارس که

وقتی می‌گوییم خلیج همیشه فارس، در مرحلهٔ نخست نفت و منابع مالی خلیج فارس به نظرمان می‌رسد. متأسفانه حوزهٔ ساکنان خلیج فارس اعم از بنادر و یا جزایر آن در ذهن ما پایدار نمی‌شوند و چه‌بسا بسیاری از ما مردمان خلیج فارس و خاک جزایر و بنادر آن را فراموش کرده‌ایم. حتی اگر به ما گفته شود در خلیج فارس کدام جزایر وجود دارند، تنها از جزایری نام ببریم که در آن‌ها مراکز خرید وجود دارد نظیر جزیرهٔ کیش یا جزیرهٔ قشم.

در دوره هخامنشیان ناوگان‌های نظامی دریایی در منطقه خلیج فارس شکل گرفتند که تجلی آن در دوره داریوش هخامنشی است

هم‌وطن ما هستند، حاضریم به اندازه نصف هزینه‌های یک برج در تهران هزینه کنیم؟
با مطالعه تاریخ می‌بینیم که هیچ‌گاه از سوی دریا تهدیدی متوجه ایران نبود و آن چنان که باید و شاید حکومت‌های ایرانی نیز توجه زیادی به گسترش حیطه قدرت دریایی خودشان توجه نداشتند. در منطقه خلیج فارس نیز دولت‌هایی مستقر بودند که به طور طبیعی معاملاتی از طریق دریا داشتند ولی درباره آن‌ها اطلاعات زیادی در دست نیست، البته در دوره پادشاهی هخامنشی، از پادشاهان ماد، تعاملات ایران تا حوزه خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند گسترش یافت.

در دوره هخامنشیان ناوگان‌های نظامی دریایی در منطقه خلیج فارس شکل گرفتند که تجلی آن در دوره داریوش هخامنشی است حتی مسیر سفر کمبوجیه به مصر نیز از طریق دریا و خلیج فارس بود و با تصمیم داریوش برای احداث ترعه سوئز تلاشی بود که آغاز و پایان آن از طریق خلیج فارس بود.

در دوره حکومت مغولان نیز قوبلای قان ناوگانی را از طریق خلیج فارس به ژاپن اعزام کرد ولی این ناوگان بر اثر طوفان از بین رفت و به این ترتیب ژاپن تا سالیان متمادی در انزوای تاریخ ماند.
استفاده شاهان هخامنشی از مصریان، فنیقی‌ها و قبرسی‌ها به توسعه ناوگان امیران در خلیج فارس کمک کرد.
در زمان اشکانیان، از آغاز سلطنت مهرداد اول ایران حاکمیت کامل خود را به حوزه خلیج فارس مستقر می‌کند. در این مقطع خلیج فارس در حکم یک دریاچه بود.
انوشیروان نیز در دوره حکومت خود در تلاش بود تا به نوعی توانایی‌های رومی‌ها را تضعیف کند و به این ترتیب، از تهدیدهای آن‌ها بکاهد چنان که در آن زمان ژوستینین رومی تلاش کرد تا از راه دریا، راه ابریشم دریایی را برقرار کند. به این ترتیب، انوشیروان موفق شد در زمان حکومت ابرهه یمن را اشغال کند تا بتواند در آن‌جا حضور نظامی داشته باشد، زیرا انوشیروان به دنبال تشکیل نیروی دریایی مقتدری بود و حتی انوشیروان از تقاضای سیف‌بن‌ذی‌یزن استفاده کرد و نیروی دریایی را به

از سوی دیگر، وقتی که سلسله آل بویه در ایران پا گرفت، این سلسله بار دیگر تلاش کرد تسلط خود را در ابعاد تجاری و اقتصادی در خلیج فارس اعمال کند و بالاخره آل بویه موفق به انجام این کار شد و خلیج فارس را به طور کامل در اختیار گرفت. به این ترتیب، مهاجرت‌های برخی ایرانی‌ها به شرق آفریقا از طریق خلیج فارس انجام گرفت. پس از سلطه عمادالدوله تا دوران آل بویه و نیز تهاجم سلجوقیان، ایرانی‌ها همواره به خلیج فارس تسلط کامل داشتند ولی در دوره سلاجقه با دو پدیده مواجه هستیم، یکی بندر سیراف و دیگری امرای هرمز. هر کدام از این دو پدیده نقش مهمی در خلیج فارس ایفا کردند.

اتابکان فارس در دوره زندیه نیز تجارت گسترده‌ای با هندوستان از طریق خلیج فارس انجام می‌دادند. دولت‌های حول منطقه خلیج فارس عمدتاً تحت سلطه و خراج‌گذار امرای کرمان و فارس بودند. امرای هرمز نیز با وجود آن‌که سلطه و قدرت زیادی داشتند خراج‌گذار حکومت فارس بودند. در واقع هر کسی بر فارس مسلط می‌شد بر خلیج فارس نیز مسلط بود.

نفوذ ایرانیان در تجارت دریایی که موجبات گسترش ارتباطات اقتصادی بین ایران و هند را فراهم می‌آورد، ناشی از فرهنگ نهفته در تاریخ و تمدن ایرانی بود و این فرهنگ نقش مهمی را در تأثیرگذاری بر اعتبار معاملات ایفا می‌کرد.

با ظهور پرتغالی‌ها که با دوره بارتولود و واسکو دوگاما و تا سال ۱۵۰۷ میلادی ادامه یافت، راهب‌های پرتغالی به

رهبری آلبوکرک وارد خلیج فارس شدند و بالاخره امرای هرمز را وادار کردند تا خراج‌گذار پرتغالی‌ها شوند. این امر صد سال ادامه یافت تا آن‌که با آغاز سلطنت شاه عباس صفوی وضعیت تغییر کرد و به این ترتیب رفته‌رفته به سلطه پرتغالی‌ها پایان داده شد. با خروج پرتغالی‌ها از خلیج فارس آن‌ها از مسقط هم به‌وسیله عثمانی‌ها رانده شدند.

در هر حال، تا زمان حکومت شاه سلطان حسین ایرانی‌ها سلطه مناسبی بر خلیج فارس داشتند اما با هجوم افغانه به ایران، اقوام عرب نیز به منطقه خلیج فارس وارد می‌شوند و در واقع یک تحول جغرافیایی در منطقه خلیج فارس اتفاق می‌افتد و به این ترتیب اعراب نجد به منطقه خلیج فارس هجوم می‌آورند و همین باعث اختلال در اعمال حاکمیت ایران بر منطقه خلیج فارس می‌شود.

امپراطوری بریتانیا نیز در این بین با سوء استفاده از خروج پرتغالی‌ها و تزلزل حکومت‌های داخلی پس از حاکمیت افغانه در تلاش برمی‌آیند تا جزایر ایرانی را متروک کنند و بدین‌وسیله از اعمال حاکمیت بر آن جزایر بکاهند. همچنین انگلیسی‌ها در صدد برمی‌آیند تا جزایر ایرانی را به نام‌های عربی بخوانند. انگلیسی‌ها کار را تا جایی پیش می‌برند که بحرین را هم در اختیار خودشان می‌گیرند. وقتی این اقدام انگلیس مورد اعتراض ایران واقع می‌شود، انگلیسی‌ها استدلال می‌کنند نیروی دریایی ایران ضعیف است و هر وقت صاحب قدرت شد می‌تواند بحرین را در اختیار بگیرد. به این ترتیب حاکمیت ایران بر بحرین نیز به رسمیت شناخته نمی‌شود. حتی انگلستان تقاضای ناصرالدین شاه مبنی بر خرید چهار فروند کشتی را نمی‌پذیرد و ناصرالدین شاه ناچار می‌شود تا در ملاقات با بیسمارک صدر اعظم وقت آلمان از او تقاضای خرید کشتی می‌کند و او نیز با فروش کشتی‌های شوش و پرسپولیس به ایران موافقت می‌کند. در واقع دولت بیسمارک نیز مایل بود از طریق چنین اقدامی به نفوذ خود در حوزه خلیج فارس بیفزاید، دولت ایران نیز سرتیب حاج احمدخان را مأمور می‌کند با ملاقات با شیوخ عرب از آن‌ها برای دولت ایران بیعت بگیرد ولی این اقدام حاج احمدخان مورد اعتراض انگلستان واقع می‌شود و انگلیسی‌ها تلاش می‌کنند اقدام حاج احمدخان را اقدام خودسرانه جلوه دهند. با ورود دو کشتی شوش و پرسپولیس به خلیج فارس، انگلیسی‌ها این دو کشتی را وادار می‌کنند تا به منطقه اروندرود بروند و حتی بعدها حاج احمدخان نیز معزول می‌شود.

در مورد جزیره هنگام نیز زمانی که آقامحمدخان به سلطنت رسید وی بیش‌تر شمال و قفقاز را مورد توجه قرار داد و تعدادی از جزایر نظیر قشم و هرمز را به یک

شیخ اجاره داد. آن شیخ امام مسقط عمان بود که بعدها انگلیسی‌ها مدعی شدند این جزایر متعلق به امام مسقط عمان هستند و ایران نیز بعدها نتوانست کاری از پیش ببرد.

پس از مدتی کشورهای آلمان و روسیه درصدد برآمد جلوی گسترش نفوذ انگلیس در خلیج فارس را بگیرند. در هر حال بخشی از اقدامات آن‌ها برای جلوگیری از تثبیت و روند تغییر نام جزایر ایرانی خلیج فارس را شامل می‌شد. در هر حال بعد از پایان جنگ اول جهانی و کودتای ۱۹۲۱ ایران نیروی دریایی بزرگی را با خرید کشتی‌های بزرگ از ایتالیا تشکیل می‌دهد تا بدین‌وسیله حاکمیت خود را بر خلیج فارس برقرار کند. البته انگلیسی‌ها نیز همچنان در خلیج فارس حضور داشتند و تا سال ۱۹۷۱ این حضور ادامه پیدا کرد و در این سال بود که ایران موفق شد قدرت را در خلیج فارس در اختیار بگیرد. از سوی دیگر، آمریکایی‌ها نیز درصدد برآمدند به بهانه برقراری امنیت در خلیج فارس و جلوگیری از نفوذ اتحاد شوروی به نوعی ارتباطات خود به‌ویژه در بخش نظامی را با ایران گسترش دهند. بالاخره این امر منجر به سیاست دوستونی شد، یعنی ایران عهده‌دار تأمین امنیت نظامی و عربستان تأمین اقتصادی شدند. بعدها ایران مدعی شد که نفوذ ایران به خلیج فارس و دریای عمان محدود نیست، بلکه تا اقیانوس هند ادامه دارد و به این صورت تا حد شاخ آفریقا نیز تسری پیدا کرد. به این ترتیب خلیج فارس در حیطه جغرافیای سیاسی ایران بود، هر چند که ایران در ظفار و شاخ آفریقا دخالت کرد این امر مقتضای جایگاه طبیعی ایران بود. به هر حال نییمی از خلیج فارس منطقه اقتصادی ایران است و در این خلیج فارس، جزایر ایرانی قرار گرفته‌اند.

در هر حال، خلیج فارس، یک خلیج ایرانی و دارای جزایر ایرانی است که امکان تغییر نام آن‌ها وجود ندارد و آن‌ها همیشه ایرانی باقی خواهند ماند.

